

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دکتر علیرضا هزار

موضوع جلسه : عاقلانه زیستن در کلام امام حسن مجتبی(ع)

صحبت از عقل در ادبیات دینی ما یکی از مهم ترین مسائلیست که ما باید به آن توجه کنیم و عقل شناسی دقیقی داشته باشیم

امام حسن مجتبی میفرمایند :

إِنَّمَا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

خداوند انسان هارا در روز قیامت بر اساس عقل آنها مجازات (جزا دادن) میکند

جایگاه بحث عقل، انقدر مهم است که دانشمندان ما کتاب های دینی و علمی و حدیثی خود را با این موضوع شروع میکردند (مانند مرحوم کلینی که کتاب الکافی را تدوین کردند).

باید عقل شناسی خوبی داشته باشیم تا بتوانیم به دیگر موضوعات پردازیم

بر تبعیت مرحوم کلینی دانشمندان دیگری هم مثل مرحوم علامه مجلسی مجموعه های حدیثی را که نوشتند با موضوع عقل آغاز کردند .

-دین و ایمان از عقل شروع میشود

-مسلمان، عاقل ارزشمند تر از مسلمان جاهل است

-عقل، یک وجود و موجود مستقل است که خداوند آن را خلق کرده

-عقل، مخلوق خدای متعال است

-عقل، ذاتی انسان نیست که هر وقت که انسان بوده عقل هم بوده باشد

-در روایات ما سه چیز وجود دارد که اولین مواردی هستند که خداوند افریده است :

عقل ، آب ، نور رسول خدا و این سه با هم کاملاً قابل جمع است.

سه ویژگی عقل:

1) اولین چیزیست که خلق شده

2) خلق عظیمی است

3) محبوب ترین مخلوق خداوند است

عقل، ذاتی انسان نیست و خداوند عقل را از چهار ماهگی به انسان ها اعطا میکند

همانگونه که عقل، اعطایی است ، قابل افزایش ، ضعف و حذف هم است.

خداوند میتواند به غیر از انسان هم عقل را اعطا بکند؛ مانند روز قیامت که ممکن است این عقل به سنگ ، درخت یا هر موجود دیگری اعطا شود.

نقش و جایگاه و کارکرد عقل در انسان ، مانند چراغی است که وسط یک اتاق تاریک روشن میشود.

کار انسان در قبال عقل ، استضائه است که معنی آن نور گرفتن ، استفاده کردن ، بهره گرفتن است.

خداوند عقل را به انسان میدهد؛ اما ممکن است کسی از آن استفاده نکند.

هرچه استفاده ی ما از عقل بیشتر بشود اعطای خداوند هم بیشتر میشود.

جایگاه عقل از جایگاه امام و نبی مهم تر است؛ زیرا من با عقل، به نبی ایمان میاورم و اگر فاقد

عقل باشم فاقد ایمان هستم.

اگر در رابطه با کسی از امام زمان پیرسیم، ایشان میفرمایند: کیف عقله؟

که این یعنی در هر موضوعی عقل، پیش قدم است.

در بحث ازدواج، عقل یکی از معیارهای مهم است.

عقل، تشخیص دهنده خوبی و بدی است؛ عقلی که خداوند به انسان اعطا فرموده است قدرت

تشخیص را دارد.

و یکی از ثمرات حجت خدا این است که این عقل را روشن تر میکند، روش استفاده از آن را به

انسان میآموزد و این عقل را از لای غبارها و دفن شدگیها بیرون میآورد.

امیرالمومنین (ع) در خطبه نهج البلاغه میفرماید:

**عقل ادمیان گاهی اوقات عقل دفاعی میشود**

یکی از کارهای نبی پاکیزه کردن عقل دفاعی است.

جایگاه عقل در زندگی ما کجاست؟

ما خانه ای تاریک به نام انسان هستیم که چراغی به نام عقل در ما روشن است؛ اگر خاموشش

کنیم و چشمانمان را برای ندیدن این نوربگیریم نقش بی بهرگی از عقل را داریم.

بعضی اوقات در تصمیم گیریها و تربیت فرزند، نه گفتن هاو... مشوش عمل میکنیم و این یعنی

عقل را به جایگاه اصلی اش نرساندیم.

اگر میخواهیم به خود نمره ی مذهبی بودن بدهیم بر اساس عقل ورزی، این کار را انجام دهیم.

عبادت با تعقل هیچ فرقی ندارد (عقلی که دین معرفی میکند).

معرفت ما به میزان عقل ما است.

صحبتی با پدر و مادر های عزیز:

ما چقدر تربیت عاقلانه بر فرزندانمان داریم؟

چقدر به استزائه فرزندانمان از عقلشان کمک میکنیم؟

ما والیدن باید در میزان بهره وری فرزندانمان از عقلشان تصمیم گیری کنیم.

عقل عملی بخش مهمی است؛ خیلی از رفتار هایی که داریم نشانه بی عقلی یا پرعقلی یا کم عقلی ما است .

عقل عملی جزء دینداری است.

اگر انسان، عاقل باشد و بخواهد از عقل خود بهره‌وری کند یکی از راه هایش طلب است.

انسان عاقل هیچ وقت سیر نمیشود؛ همیشه دنبال علم آموزی است. طلب علم، جایگاه مهمی دارد .

بسیاری از سخنان اخلاقی که در متون دینی ما آمده ، ریشه در رشد عقل انسان دارد؛ مانند جمله «انسان عاقل کسی است که بدی خودش را در قبال دیگران بزرگ بگیرد؛ حتی اگر کوچک باشد».

انسان عاقل به ندرت برای حل مشکلات خود به دنبال بقیه می‌رود.

به این واسطه باید تلنگری به خود بزنیم که عقل چقدر در زندگی ما نقش دارد.

